

مبانی فقهی و حقوقی بهره‌برداری از اختراع بدون اخذ رضایت از صاحب اختراع

حسن اسکندریان*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۵

حمیدرضا سلیمانپور لیجایی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۷

چکیده

در منابع فقهی، سابقه‌ای از بهره‌برداری از اختراع بدون رضایت صاحب اختراع، دیده نمی‌شود. مقاله حاضر می‌کوشد با ارائه وحدت ملاک از احکام احتکار و اختراع، بین دو نهاد ارتباط برقرار کند و با استفاده از وحدت ملاک، احکام محتکر را بر صاحب اختراعی که از تولید اختراع، امتناع می‌کند، بار نماید؛ بدون اینکه متمسک به قیاس‌های باطل در فقه گردد. همچنین سعی شده است مصادیق احتکار با توسل به علت حکم، از مصادیق طعام فراتر رود و دامنه شمول آن هر نوع کالایی را در بر گیرد. پس از اثبات موارد مذکور، قیمت‌گذاری کالای احتکار شده و اختراع، مطرح و اثبات شده است که حاکم مجوز قیمت‌گذاری اختراع را خواهد داشت. در منابع قانونی، قانون ثبت اختراعات ایران در موارد محدود به دولت اجازه داده است بدون کسب رضایت از صاحب اختراع، مبادرت به بهره‌برداری از اختراع کند. در اسناد بین‌المللی هم به صورت محدود اجازه بهره‌برداری از اختراع بدون رضایت تجویز شده است. با بررسی‌های صورت گرفته، به نظر می‌رسد منابع فقهی و حقوقی در خصوص موضوع مقاله، از غنای کافی برخوردار نیست و نیازمند تحقیق و مذاقه بیشتر در این حوزه است.

واژگان کلیدی

احتکار، محتکر، اختراع، رقابت، منافع عمومی

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست‌فناوری (نویسنده مسئول)

eskandarian@nigeb.ac.ir

hrs149@yahoo.com

** استادیار پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست‌فناوری

مقدمه

ثبت اختراع متضمن حقوق مادی و معنوی برای صاحب اختراع است. حقوق مادی مالک اختراع در نظام سنتی حقوق، تا بدانجاست که استفاده از این حق، منحصرأ متعلق به صاحب اختراع است و بدون کسب موافقت وی بهره‌برداری از اختراع ممکن نیست. امروزه دولت‌ها این حکم کلی و بدون شرط را نمی‌پذیرند و به انحاء مختلف سعی در محدود کردن مالکیت مطلق دارند. در توجیه این رفتار، اقتضائات منافع عمومی، بهداشت عمومی، نظم بازار، جلوگیری از ایجاد نابازار و ... را به میان می‌کشند و در لوای عناوین مذکور اعمال مالکیت بی‌قید را لگام می‌زنند. در اسناد بین‌المللی و حقوق بیگانه از جمله انگلستان، فرانسه، چین، آلمان و ... از مداخله دولت در اعمال محدودیت برای مالک اختراع، تحت عنوان پروانه‌ها یا مجوزهای اجباری یاد شده است. از جمله اسناد بین‌المللی مهم می‌توان به کنوانسیون مالکیت صنعتی پاریس، موافقت‌نامه تریپس، کنوانسیون برن و معاهده رم اشاره نمود (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳). مقنن ایرانی همگام با مقررات بین‌المللی تلاش می‌نماید که دولت بتواند در اعمال مالکیت خصوصی، مداخله نماید و موفق عمل نموده است. ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات مصوب ۸۶ نمونه‌ای از ورود دولت به مالکیت خصوصی است. در اسلام حریم مالکیت خصوصی دژ مستحکمی است که بدون دلیل متقن، نمی‌توان به دژ ورودی داشت. این استحکام تا بدانجاست که حرمت مال مسلمان مانند حرمت خون اوست. مالکیت در نظام حقوقی ایران متأثر از چنین دیدگاهی است. بدین ترتیب مقاله تلاش می‌کند مبانی فقهی مداخله دولت در حریم مالک اختراع را جستجو نماید. به بیان دیگر، مقاله در مقام پاسخ به این سؤال است که دولت با چه ادله شرعی، به حریم مالکیت خصوصی مخترع ورود نموده است.

در فقه سابقه‌ای از بهره‌برداری از اختراع بدون رضایت صاحب اختراع دیده نمی‌شود. نگارنده تلاش می‌نماید با تطبیق موضوع بر یک نهاد تعریف شده در فقه، احکام موضوع تعریف شده را، بدون تمسک به قیاس‌های باطل در فقه بر مسئله مترتب نماید. این نهاد، احتکار است، اگرچه در فقه، بحث احتکار معرکه‌الأراء فقها قرار گرفته و از حکم کراهت تا حکم تحریم می‌بینیم. از مصداقی بودن موارد احتکار تا تمثیلی بودن مصداق، از عدم حق حاکم در قیمت‌گذاری تا حق حاکم در قیمت‌گذاری و ...؛ اما نگارنده تلاش کرده با

دستیابی بر علت حکم، مصادیق احتکار را از چهار یا پنج موردی که برخی فقها بیان داشته‌اند، به مصادیق بیشتری تسری دهد و با این استدلال که حکم دایر مدار علت است، خودداری از تولید یک اختراع را به‌عنوان مصداقی از احتکار تلقی کند. در مطالعه تطبیقی، قوانین برخی کشورهای پیشرو، مورد بررسی قرار گرفت. در حقوق بیگانه، نهادی تحت عنوان احتکار، مشاهده نمی‌شود. آنچه در این کشورها مورد توجه مقنن قرار گرفته، انحصارگرایی یا انحصارگری است. با اندک تسامح می‌توان انحصارگرایی را معادل یا دارای هم‌پوشانی با نهاد احتکار در نظام حقوق اسلامی دانست. در مطالعه تطبیقی همچنین سعی شده نظام حقوقی برخی کشورها، از حیث ورود دولت به حریم خصوصی مالک اختراع مورد بررسی قرار گیرد. در مطالعه تطبیقی آنچه برای نگارنده جالب توجه بود آنکه، در نظام‌های حقوقی بیگانه، زمانی دولت مجوز ورود به دامنه مالکیت خصوصی مخترع را دارد که مخترع اخلالی در بازار ایجاد نموده باشد (نظام حقوقی انگلستان و فرانسه) یا اینکه منافع عموم، تولید و عرضه اختراع را ایجاب نماید (نظام حقوقی آلمان)، این دلایل، دقیقاً همان دلایل فقهایی است که قرن‌ها پیش، در باب احتکار، مجوز ورود حاکم را به مالکیت خصوصی محکوم داده‌اند!

۱. مفهوم و مصادیق احتکار و مبنای تحریم آن

فقها عموماً (صرف‌نظر از اختلافات جزئی)، در معنا و مفهوم کلی احتکار با یکدیگر اختلاف جدی ندارند؛ اما در تعیین مصادیق احتکار، دامنه اختلافات گسترده است. برخی نظر بر حصری بودن مصادیق احتکار دارند. دلایل این گروه قابل تأمل جدی است، در مقابل داعیه‌داران توسعه مصادیق احتکار، با دلایل اخلال در بازار مسلمین، مصلحت یا منفعت عموم و ... تلاش می‌کنند احتکار را از مصادیق حصری خارج و منطبق با هر کالایی کنند که در انحصار قرار گرفته و به بازار عرضه نمی‌شود. در بحث کراهت یا حرمت احتکار نیز، اختلافات جدی به چشم می‌خورد. برخی قول به کراهت داده و برخی حرمت را برگزیده‌اند. در قیمت‌گذاری کالای احتکار شده هم، بحث اختلافی است.

۱-۱. مفهوم و مصادیق احتکار

احتکار مصدر باب افتعال از ماده حکر یا حکره است. برخی احتکار را به معنای نگهداری (انبار کردن) طعام به انتظار گران شدن (زیبیدی، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ابن منظور، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۱۲۸؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۵) و برخی احتکار را نگهداری و انبار هر آنچه را که به انتظار گران شدن باشد، معنا نموده‌اند (فیروزآبادی، بی تا، ج ۲، ص ۶۵). در فقه، احتکار به همین معنا آمده است. بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد فقها بحث مفهومی خاصی راجع به احتکار ندارند و آنجا که بحث احتکار را به میان می‌کشند بدون اینکه تعریف یا مفهومی از احتکار ارائه نمایند، وارد مصادیق می‌شوند. فقط شیخ انصاری در مکاسب به صورت مبسوط‌تری بحث نموده است. می‌فرماید حبس طعام گاهی برای رزمندگان و زوار است، گاهی برای نجات از تنگنا که احتمال کم شدن غذا وجود دارد، گاهی برای خوراک چهارپایان و گاهی برای بالاتر رفتن قیمت است. فقط قسم اخیر مشمول احکام احتکار است (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، صص ۳۶۷-۳۷۲).

به نظر مشهور فقها، احتکار در مورد گندم، جو، خرما، کشمش و روغن حیوانی صادق است (شهید اول، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۸۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۹۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۱؛ امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۱۵). صاحب جواهر قول محقق حلی را می‌پسندد و می‌فرماید مشهور بین اصحاب همین است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، صص ۴۷۷-۴۸۶). آنچه در احادیث متواتر و صحیح عنوان شده و مشهور فقها به آن استناد نموده‌اند، اکتفای احتکار بر غلات چهارگانه (گندم، جو، خرما و کشمش) و حداکثر اضافه نمودن روغن و در برخی موارد نمک بوده است. برخی فقها از جمله محقق خوئی، احتکار را مختص به انواع خاصی از مواد غذایی نکرده و هر آنچه را که عرف، مواد غذایی قلمداد کند، از مصادیق احتکار دانسته‌اند (خوئی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۵۱۲).

۲-۱. مبنای تحریم احتکار

تحریم احتکار، مستند به آیات قرآن نیست. مستند فقها در باب تحریم، احادیث و روایاتی است که از معصومین(ع) نقل شده است. اجمالاً بیان می‌داریم: برخی روایات صراحتاً دلالت بر کراهت دارند و برخی از احتکار نهی نموده‌اند. دلایل فقهایی که قائل بر کراهت

هستند: اولاً اصل بر عدم تحریم است. ثانیاً قاعده سلطنت، ما را از ورود به حریم مالکیت خصوصی باز می‌دارد، ثالثاً روایات و احادیث متعددی دال بر کراهت وارد شده است و علامه حلی قائل بر کراهت است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۸-۴۲). محقق اردبیلی در مجمع‌الفائده پس از یک بحث مستوفی، نهایتاً می‌گوید با توجه به اختلاف دلیل بر عدم تحریم، وجود تقیید در بعضی روایات و اطلاق در بعضی دیگر و اصل عدم تحریم، حمل احتکار بر کراهت بعید نیست (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۰). از فقهای که قائل بر حرمت هستند می‌توان به شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۸۰)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۹۹)، شیخ انصاری (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۳۳-۳۷۴) اشاره نمود. شهید ثانی روایات دال بر کراهت را چنین توجیه می‌کند: مکروه یکی از معانی حرام است، لذا وقتی روایاتی دال بر تحریم به دست ما رسیده است، آن دسته از روایات که دلالت بر کراهت دارند باید بر تحریم حمل شوند. استدلال شیخ انصاری جالب است: اگر احتکار مکروه است، چگونه شارع محتکر را ملزم به فروش می‌کند یعنی به نوعی محتکر را ملزم و مجبور به ترک مکروه می‌کند. الزام به ترک مکروه خلاف ظاهر است. همچنین الزام به فروش بر خلاف قاعده سلطنت است. اگر حکم کراهت است چگونه باید محتکر ملزم به ترک شود، پس نتیجه این است که حکم اولی تحریم بوده که ما باید ترک کنیم، زیرا کراهت الزامی به ترک ندارد.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان احادیث و روایات در باب احتکار را از حیث مصادیق، به دو دسته تقسیم‌بندی نمود. احادیثی که تصریح بر مصادیق دارد و احادیثی که کلی است و مصادیقی نیست. احادیث مصادیقی، بسیار زیاد است، تنها به یک مورد اشاره می‌شود. عبدالله بن منصور از امام صادق (ع) نقل نمود: در زمان پیامبر، گندم تمام شد. مسلمانان خدمت پیامبر، عرضه داشتند: ای پیامبر، گندم تمام شده و جز نزد فلانی وجود ندارد. به او فرمان ده تا آن را به مردم بفروشد. پیامبر حمد خدای کرده و فرمود: ای فلان، مسلمانان گفتند گندم تمام شده و تنها اندکی نزد تو باقی است. آن را بیرون آر و هر طور که خواهی بفروش و آن را حبس نکن (کلینی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۶۵ و شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۱۴). همچنین امام صادق (ع) فرمود: لیس الحکره الا فی الحنطه والشعیر

والتمر والزبيب والسمن (شیخ صدوق، ۱۴۱۵، ص ۳۷۲). احتکار فقط در گندم، جو، خرما، کشمش و روغن صادق است.

در خصوص احادیثی که به صورت کلی بیان شده‌اند، به نامه حضرت امیر به مالک اشتر اشاره می‌کنیم: «فامنع من الاحتکار، فان رسول الله (ص) منع منه» (سید رضی، ۱۳۷۸، ص ۶۹۷؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۷، ص ۴۲۷). از احتکار جلوگیری کن، همانا رسول خدا از آن جلوگیری می‌کرد. از امام صادق نقل شده است: «لا یحتکر الطعام الا خاطی»: خوراک مردم را کسی احتکار نمی‌کند، مگر گناهکار (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۳۱۵). حدیثی از پیامبر: «الجالب مرزوق والمحتکر ملعون»: گیرنده (کالا برای خرید و فروش و تجارت) روزی می‌خورد و محتکر از رحمت خدا به دور است (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۳۱۳).

اگر ایراد شود وقتی روایاتی دال بر مصادیق احتکار هست و بر اساس قواعد اصولی، خاص یا مقید قلمداد می‌شود و همچنین در همان موضوع، روایات عام و مطلق وجود دارد، خاص بر عام مقدم است و باید خاص حمل بر عام شود؛ بنابراین باید بر مصادیق بسنده نمود. در پاسخ می‌گوییم: اولاً اگر مصادیق خصوصیت ویژه‌ای داشتند، می‌بایست احتکار بر همین مصادیق خاص مترتب گردد؛ چگونه اختلاف در روایات در باب مصادیق ایجاد شده است. همین اختلاف در روایات انعکاس عدم استحکام احتکار بر مصادیق است. دوم اینکه اگر قائل بر انحصار احتکار بر همین موارد احصا شده باشیم، دیگر چه نیازی به احادیث کلی بود. یعنی اگر خصوصیت ویژه‌ای در غلات چهارگانه و روغن وجود داشت، معصوم چرا باید از این خصوصیت مکثوم، که اساس حکم است، چشم‌پوشی کند و احادیث کلی را بیان نماید. به نظر می‌رسد آنچه مراد از احادیث بوده، نیازمندی اکثریت جوامع به این غلات بوده، نه اینکه خصوصیت ویژه‌ای در غلات باشد. دلیل یا روایات خاص را باید ناظر بر جوامعی دانست که بیشترین طعام مصرفی آن‌ها یا نیاز مردم، مصادیق معنون در روایات بوده است؛ بنابراین در جوامعی که نیاز مردم یا طعام مصرفی مردم، از مصادیق مذکور در روایات نیست باید روایات عام را در این جوامع جاری دانست. تفاوت نیازمندی جوامع به اقلام غذایی مختلف، گونه‌های مختلف روایات را

توجیه می‌کند و مؤید استدلال ماست. به‌بیان‌دیگر اتفاقاً اختلاف در روایات دارای علت بوده، نه اینکه مصادیق در روایات دارای علت باشد.

آیا می‌توان از مصادیق طعام (غذا) فراتر رفت و به کالا و خدمات (مورد نیاز عموم یا قشری از جامعه) نیز تسری داد یا خیر؟

امروزه اکتفا بر مصادیق غذا به‌عنوان موارد مشمول احتکار، معضلات جدی ایجاد می‌کند. نیازهای دارویی، صنعتی و ... که جامعه آنها را غذا تلقی نمی‌کند، به‌سادگی می‌تواند احتکار شود. لذا ضروری است نسبت به واکاوی مجدد روایات و استنباط علت حکم اقدام نمود. به نظر می‌رسد روایاتی که حکم کلی احتکار را بیان نموده (مانند نامه حضرت امیر به مالک) و از آن منع نموده‌اند، احکامی کلی در بر دارند و نمی‌توانیم دایره شمول حکم را بدون دلیل، محدود به مواد غذایی کنیم. ممکن است استدلال شود با توجه به روایات صحیح و فراوانی که به ذکر مصادیق غذا پرداخته‌اند و در جهت همسویی این دسته از روایات با روایات کلی، ناگزیریم این دسته از روایات را حداکثر ناظر بر مواد غذایی بدانیم و نه بیشتر. با این استدلال، خودبه‌خود دامنه شمول حدیث مضیق می‌گردد. ضمن اینکه اگر مراد شارع صرفاً مواد غذایی بود، لزومی به کلی‌گویی نبود و مانعی برای صدور حکم راجع به طعام وجود نداشته است؛ زیرا برخی روایات وارده، مطلق احتکار را نهی نموده‌اند. در واقع حرمت احتکار، از جهت نیازمندی جامعه یا قشر خاصی از جامعه است وگرنه اگر فردی مواد غذایی احتکار کند، ولی نیاز جامعه مسلمین نباشد، حاکم ورودی به این انباشت مواد غذایی نخواهد داشت. می‌توان نتیجه گرفت طعام خصوصیت ویژه‌ای ندارد، بلکه حکم دایر مدار علت است و علت حرمت احتکار، نیازمندی جامعه، منافع عمومی و جلوگیری از اختلال در بازار است. از این حیث، حکم کلی احتکار قابل تسری به کلیه کالاها و خدماتی خواهد بود که مورد نیاز و احتیاج جامعه است؛ چون هر کالا یا خدمتی که انباشت گردد و مورد نیاز باشد، مشمول حرمت کلی احتکار خواهد شد.

آیا عدم تولید یک اختراع از مصادیق احتکار است؟ در احتکار، کالای تولیدشده در اختیار شخص قرار گرفته و از عرضه به بازار خودداری شده است. آنچه باعث مضیقه برای عموم و اختلال سوق می‌شود، کالای موجود در انبار محتکر نیست، بلکه عدم عرضه کالا است. بنابراین می‌توان استدلال نمود وجود کالا در اختیار محتکر موضوعیت نداشته،

بلکه طریقت دارد. آنچه موضوعیت دارد و احکام احتکار را بر محترک مترتب می‌کند، عدم عرضه است. بدین ترتیب وجه مشترک مخترعی که مبادرت به تولید نمی‌کند و محترکی که کالای خود را به بازار عرضه نمی‌کند، به دست می‌آید؛ چنین وجه مشترکی، عدم عرضه کالا است. از این حیث به نظر می‌رسد می‌توان تمامی احکام مترتب بر محترک را بر مخترعی که با عدم اختراع، تنگنا و مضیقه برای بازار ایجاد نموده است، بار نمود. همچنین تفاوتی بین حالتی که مخترع مبادرت به تولید کالای خود نموده ولی به بازار عرضه ننموده، با حالتی که اساساً تولید ننموده، وجود ندارد.

۳-۱. ممنوعیت احتکار در قوانین (مطالعه تطبیقی)

احتکار در حقوق داخلی، جرم شناخته نشده و در حد یک تخلف صنفی است. اگرچه قبلاً مطابق با ماده یک قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹، به‌عنوان یک جرم علی‌حده پیش‌بینی شده و طیف گسترده‌ای از مجازات‌ها از حبس بالای پنج سال تا اعدام برای آن وجود داشت، اما در سال ۸۲ و متعاقباً با اصلاحات سال ۹۲، از احتکار جرم‌زدایی و در حد یک تخلف صنفی کمرنگ شد. برخی نویسندگان اصرار دارند احتکار همچنان مشمول قانون سال ۶۹ و جرم است، اما به اعتقاد ما با توجه به تعریفی که مقنن در سال ۸۲ از احتکار به عمل آورد و جریمه‌های نقدی و نظام رسیدگی علی‌حده (آن‌هم نه در دستگاه قضا بلکه در تشکیلات اداری)، که برای آن پیش‌بینی شد، جای شکی در خصوص تخلف بودن آن نیست. ماده ۶۰ قانون نظام صنفی مصوب ۸۲ و اصلاحیه آن مصوب ۹۲ (ماده ۴۳) به تعریف احتکار و ضمانت اجرای آن می‌پردازد. احتکار عبارت است از نگهداری کالا به‌صورت عمده با تشخیص مراجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به‌قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه. ضمانت اجرای طیف گسترده‌ای از اقدامات اداری است: از نصب پارچه یا تابلو در محل کسب تا اعمال جریمه نقدی، الزام محترک به فروش، تعطیلی محل کسب و ...

ماده یک قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، به تعریف انحصار پرداخته است. تعریف انحصار، اهمیت دارد زیرا در حقوق کشورهای بیگانه، نهاد احتکار تعریف نشده، بلکه به تعریف انحصار پرداخته‌اند. انحصار مطابق قانون ایران: وضعیتی در بازار است که

سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولیدکننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی است که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته باشد، یا ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن با محدودیت مواجه باشد. انحصار مطابق با ماده ۴۴ ممنوع و ضمانت اجرای آن طیف گسترده‌ای از فسخ قرارداد، دستور توقف انحصار، الزام به اعمال قیمت واقعی، اعمال جریمه نقدی و ... است.

در نظام‌های حقوقی بیگانه، نهادی تحت عنوان احتکار به چشم نمی‌خورد؛ اما آنچه آن‌ها پیش‌بینی نموده‌اند انحصارگرایی است. در احتکار، ما با نوعی انحصارگرایی مواجهیم. در آمریکا، انحصارگرایی، یک جرم سنگین در حد جنایت است. مطابق با قانون ضد تراست شرمن، حسب اصلاحات سال ۲۰۰۲م، (Antitrust Sherman Act) فرد یا شرکتی که مرتکب جنایت انحصارگرایی شود یا حتی شروع به انحصارگرایی نماید، اعم از اینکه ائتلافی تشکیل دهد، یا تبانی نماید، اگر شخص حقیقی باشد تا یک میلیون دلار و اگر شخص حقوقی باشد تا صد میلیون دلار جریمه نقدی می‌شود یا به حبس تا ده سال یا به هر دو مجازات ذکر شده، حسب صلاحدید دادگاه محکوم می‌شود. البته با مراجعه به قوانین ایالتی آمریکا می‌بینیم سختگیری در جرم انحصارگرایی قدری کمتر است. برای نمونه در قانون تجارت ایالت ماساچوست (Regulation Of Trade)، جرم انحصارگرایی در حد جنحه شناخته شده است. مرتکب اگر شخص حقیقی باشد به حداکثر بیست و پنج هزار دلار و اگر شخص حقوقی باشد به حداکثر یک صد هزار دلار و یا به زندان به میزان حداکثر یکسال یا هر دو مجازات به صلاحدید دادگاه محکوم می‌شود.

در اتحادیه اروپا، عهدنامه یا معاهده تأسیس جامعه اقتصادی اروپا (Treaty Establishing The European Economic Community) که بعدها به معاهده تأسیس اتحادیه اروپا موسوم شد در ماده ۸۲ به ممنوعیت انحصار پرداخته است: هرگونه سوءاستفاده از موقعیت مسلط بازار توسط یک یا چند موسسه تجاری در داخل بازار مشترک یا در بخش قابل توجهی از بازار ممنوع است. سوءاستفاده ممکن است شامل موارد زیر شود: تحمیل مستقیم یا غیرمستقیم قیمت ناعادلانه خرید یا فروش، محدود ساختن تولید، بازار، پیشرفت و توسعه فنی به زیان مصرف‌کننده، اعمال شرایط نابرابر در مقابل خریداران. محدود ساختن تولید به زیان مصرف‌کننده، از مصادیق بارز احتکار است که در اتحادیه اروپا ممنوع است.

در معاهده، ضمانت اجراهای انحصار تبیین نشده و به مصوبات کمیسیون اروپایی اتحادیه محول شده است. کمیسیون طی آیین‌نامه‌های متعدد که همواره در حال به‌روزرسانی و اصلاح می‌باشد، جریمه‌های نقدی فوق‌العاده سنگین برای رفتار انحصارگرایی پیش‌بینی نموده است.

در مجموعه قوانین کیفری فرانسه (Penal Code of France) جرمی تحت عنوان انحصار به چشم نمی‌خورد. مطابق با ماده L410-2 قانون تجارت فرانسه (Commercial Code Of France) اگر در جایی رقابت‌های قیمت با محدودیت مواجه شود، اعم از اینکه این نوع محدودیت ناشی از وضعیت انحصارگری یا مشکلات عرضه کالا به‌صورت طولانی‌مدت یا به دلیل وجود قوانین و مقررات باشد، به دستور هیئت وزیران که بعد از مشورت با مقام رقابت صادر می‌شود، قیمت‌ها منظم و قاعده‌مند می‌شود. مقام رقابت در نظام حقوقی فرانسه دارای اختیارات گسترده در حوزه تجارت می‌باشد. مطابق با بندهای ۷ و ۸ فرمان شماره ۱۲۴۳-۸۶ مصوب ۱۹۸۶، که یکی از مهم‌ترین زیربناهای قوانین رقابت در نظام حقوقی فرانسه است، مقام رقابت می‌تواند در موارد تکرار رفتارهای ضد رقابت و سوءاستفاده از موقعیت مسلط بازار حکم حبس از ۶ ماه تا ۴ سال صادر نماید. ضمانت اجراهای دیگر طیف گسترده‌ای از درج در روزنامه رسمی، دستور موقت در موارد فوری، الزام به اصلاح یا فسخ قرارداد، جزای نقدی یا جریمه نقدی، اعلام عمومی و ... را در بر می‌گیرد که مقام رقابت مجاز به صدور می‌باشد. سوءاستفاده از موقعیت مسلط، تعریف نشده ولی در حقوق اتحادیه اروپا، مصادیق سوءاستفاده از موقعیت مسلط بیان شده است، از سوی دیگر کشور فرانسه عضو اتحادیه اروپاست. بدین ترتیب در حقوق فرانسه، محدود ساختن تولید به زیان مصرف‌کننده می‌تواند مصادیقی از سوءاستفاده از موقعیت مسلط باشد.

۲. لزوم اخذ رضایت مخترع و استثنائات آن (بهره‌برداری بدون رضایت)

دولت یا هر فرد دیگری بدون دلیل نمی‌تواند به مالکیت مخترع متعرض شود. بند الف ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶، بیان می‌دارد: بهره‌برداری از اختراع ثبت‌شده در ایران، توسط اشخاصی غیر از مالک اختراع، مشروط به موافقت مالک آن است. باین حال

مقنن در مواردی به دولت یا شخص مجاز از طرف دولت اختیار داده است نسبت به بهره‌برداری از اختراع علی‌رغم عدم رضایت مالک، اقدام نماید.

۲-۱. مبانی قانونی بهره‌برداری از اختراع بدون اخذ رضایت از صاحب اختراع (مطالعه تطبیقی)

در نظام‌های حقوقی اکثر کشورهای دنیا و همچنین اسناد بین‌المللی، از موضوع فوق، تحت عنوان «مجوزها یا پروانه‌های اجباری» یاد نموده‌اند. مجوز اجباری مجوزی است که بر اساس آن دولت یا شخص مجاز از طرف دولت، می‌توانند بدون اخذ رضایت از صاحب اختراع، نسبت به بهره‌برداری از اختراع اقدام نمایند. مطالعه نظام‌های حقوقی سایر کشورها و همچنین اسناد بین‌المللی، انعکاس پذیرش بهره‌برداری از اختراع بدون رضایت در موارد محدود است. به‌صورت خلاصه برخی اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی کشورها و سپس به‌تفصیل وضعیت نظام حقوقی ایران بیان می‌شود.

۲-۱-۱. مطالعه تطبیقی

در نظام حقوقی انگلستان، ماده ۴۸ قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۹۷۷ (England Patent Act 1977) به صدور مجوز اجباری بهره‌برداری پرداخته است. مجوز اجباری منوط به اجتماع شرایط زیر صادر می‌شود: سه سال از تاریخ صدور گواهی‌نامه یا ورقه اختراع گذشته باشد، عدم بهره‌برداری از اختراع، به تجارت و بازرگانی انگلیس لطمه بزند یا مانعی برای تجارت انگلیس باشد و نهایتاً اختراع از حیث اقتصادی و تجاری مقرون به صرفه باشد.

در فرانسه، ماده L613-11 مجموعه قوانین مالکیت فکری فرانسه (Code de la Propriete Intellectuelle) به صدور مجوز اجباری بهره‌برداری پرداخته است. اگر صاحب اختراع، نسبت به بهره‌برداری از اختراع در مدت سه سال از تاریخ ثبت اختراع یا چهار سال از تاریخ ثبت تقاضانامه اختراع، اقدام ننماید یا مقدمات بهره‌برداری از آن را در هیچ‌یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا فراهم ننماید یا در فرانسه بیش از سه سال متوقف شده باشد یا عرضه اختراع به بازار متناسب با تقاضا نباشد، در این صورت درخواست صدور مجوز بهره‌برداری به دادگاه ارسال می‌شود. متقاضی صدور مجوز باید اثبات نماید موفق به

دریافت مجوز از صاحب اختراع نشده و توانایی بهره‌برداری از اختراع را دارد. به موجب ماده 16-613L در مواردی که صاحب اختراع، اختراع خود را به مقدار یا کیفیت نامناسب یا به قیمت‌هایی بالا عرضه می‌کند و این موضوع مغایر با سلامت عمومی جامعه شناخته شود یا رفتار صاحب اختراع مشمول اعمال ضد رقابت تلقی شود، به تقاضای وزیر مربوط مجوز اجباری صادر می‌شود.

قوانین مالکیت فکری آمریکا در باب مجوزهای اجباری، سکوت اختیار کرده‌اند (United States Code Title 35 ° Patents)؛ اما از آنجا که دولت آمریکا عضو کنوانسیون پاریس است و در کنوانسیون مجوزهای اجباری وجود دارد و کنوانسیون راجع به اعضا لازم‌الاجراست، لاجرم باید آمریکا را از موافقان صدور مجوز اجباری دانست.

در نظام حقوقی آلمان ماده ۲۴ قانون ثبت اختراعات با اصلاحات سال ۲۰۰۹م (Germany Patent Act) به شرایط صدور مجوز اجباری می‌پردازد. مطابق این قانون، متقاضی صدور مجوز باید اثبات نماید در یک دوره زمانی معقول و تحت شرایط معقول، نتوانسته است رضایت صاحب اختراع را برای بهره‌برداری جلب نماید و بهره‌برداری از اختراع رفع نیازی از منافع عمومی جامعه است. همچنین مجوز اجباری در مواردی که اقدامات صاحب اختراع مغایر با قواعد و قوانین رقابت آزاد آلمان باشد، صادر می‌شود.

ماده ۴۸ قانون ثبت اختراعات چین با اصلاحات سال ۲۰۰۸م (Patent Law of the People's Republic of China) به صدور مجوز اجباری می‌پردازد. مطابق با این قانون، در صورتی که از تاریخ ثبت اختراع سه سال یا اینکه از تاریخ تقاضانامه ثبت اختراع، چهار سال گذشته باشد و صاحب اختراع بدون هیچ دلیل قانونی، نسبت به بهره‌برداری از اختراع اقدام ننماید یا اینکه رفتارها و اقدامات صاحب اختراع، حسب قانون، انحصارگری تلقی شود یا اینکه تأثیر منفی بر رقابت آزاد بگذارد هر شخص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط می‌تواند درخواست صدور مجوز بهره‌برداری اجباری نماید.

کنوانسیون پاریس (Paris Convention for the Protection of Industrial Property) از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی است که در حوزه ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی در سال ۱۸۸۳ به تصویب یازده کشور پیشرفته آن زمان در پاریس رسید. این کنوانسیون به دلیل اهمیت جدی و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی، تاکنون بارها مورد اصلاح و تصویب قرار

گرفته است. در حال حاضر اکثریت کشورهای جهان عضو این کنوانسیون می‌باشند. ایران در سال ۱۳۳۷ به عضویت این کنوانسیون درآمد. به موجب بند ۲ ماده «الف ۵» کنوانسیون، کشورهای عضو می‌توانند تدابیر قانون‌گذاری مربوط به اعطای مجوز اجباری را برای جلوگیری از سوءاستفاده دارنده حق اختراع از جمله خودداری از به‌کارگیری و استعمال این حق اتخاذ کنند.

برای کشورهای عضو موافقت‌نامه تریپس، در ماده ۳۰، این حق قائل شده است که استثنائات محدودی را در مورد بهره‌برداری از اختراع بدون اجازه، قائل شوند و در بندهای سوم و یازدهم ماده ۳۱ این حق برای کشورهای عضو پیش‌بینی شده است که به منظور رفع موانع رقابت آزاد، تحت شرایطی مبادرت به صدور مجوز اجباری نمایند (میرحسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۱).

۲-۲. مغایرت حق بهره‌برداری از اختراع مخترع با رقابت آزاد

مطابق بند الف ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات ایران، چنانچه صاحب اختراع با سوءاستفاده از اختراع خود، شرایطی در بازار ایجاد نماید که مغایر با رقابت آزاد باشد، دولت می‌تواند نسبت به صدور پروانه بهره‌برداری از اختراع بدون اخذ رضایت از صاحب اختراع، اقدام نماید. اولین سؤال، تبیین مفهوم «رقابت آزاد» است. در حقوق داخلی، قانون ویژه‌ای تحت عنوان قانون رقابت، به تصویب نرسیده و تعریفی از رقابت آزاد در منابع قانونی مشهود نیست؛ صرفاً فصل نهم قانون اجراء سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۸۹، تحت عنوان تسهیل رقابت و منع انحصار، به حقوق رقابت پرداخته است. در بند ۲۰ ماده ۱ قانون مرقوم در تعریف «اخلال در رقابت» آمده است: مواردی که موجب انحصار، احتکار، افساد در اقتصاد، اضرار به عموم، منتهی شدن به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص، کاهش مهارت و ابتکار در جامعه و یا سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور شود. آیا می‌توان بند ۲۰ مزبور را با بند الف ماده ۱۷ پیوند داد؟ در بند الف ماده ۱۷، رفتارهای مغایر با رقابت آزاد مطرح شده است، بدون اینکه تعریفی از این نوع رفتارها داشته باشد. در بند ۲۰، رفتارهایی مورد توجه قرار گرفته است که عموماً مغایر رقابت آزاد است. آیا می‌توان به لحاظ حقوقی استدلال نمود، رفتارهای مدنظر قانون‌گذار در قانون ثبت اختراعات

رفتارهایی هستند که قانون‌گذار چند سال بعد در قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ احصا نموده است.

به نظر می‌رسد نمی‌توان بند ۲۰ مذکور را ناظر به بند الف ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات دانست؛ زیرا قانون سیاست‌های کلی بعد از قانون ثبت اختراعات به تصویب رسید. مقنن در قانون ثبت اختراعات باید رفتار مغایر با رقابت آزاد را تعریف می‌کرد؛ هرگونه تفسیری که از «رقابت آزاد» توسط وزیر یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط یا توسط کمیسیون مندرج در بند الف ماده ۱۷ صورت گیرد، منجر به تعیین شمول این عبارت خواهد بود؛ درحالی‌که تعیین شمول قانون، نباید در دست مجری قانون باشد.

۳-۲. اقتضای منافع عمومی مانند امنیت ملی، تغذیه، بهداشت، سلامت یا توسعه بخش‌های حیاتی اقتصادی کشور

حسب بند الف ماده ۱۷، در صورتی‌که هر یک از امور فوق اقتضا نماید، دولت می‌تواند بدون کسب موافقت از مالک اختراع، نسبت به بهره‌برداری اقدام نماید. در صدر ماده، مقنن با عبارت «منافع عمومی مانند»، شمول ماده را گسترده ساخته است. بنابراین مصادیق ذکر شده نظیر تغذیه یا بهداشت، حصری نبوده و هر امری که بتواند تحت عنوان منفعت عمومی قلمداد گردد، در شمول ماده قرار می‌گیرد. مصادیق منافع عمومی از قبیل تغذیه و ... که در ماده مورد اشاره قرار گرفته است، فاقد ضابطه و معیار است. مشخص نیست چه اتفاقاتی باید در جامعه رخ دهد تا بتوان ادعا نمود تغذیه، بهداشت و ... مقتضی بهره‌برداری از اختراع بدون کسب موافقت است. مقنن باید ضوابطی نظیر نیاز جامعه به یک دارو، غذا و ... مقرر می‌نمود تا مجری در پرتو این ضوابط اعلام نماید منافع عمومی دچار تهدید شده است. نکته مهم دیگر، عبارت «توسعه سایر بخش‌های حیاتی اقتصادی کشور» است. این عبارت ارتباطی با گزینه‌های قبلی که مقنن به‌عنوان مصادیق منفعت عمومی از آن‌ها یاد نموده است، ندارد؛ همچنین بخش‌های حیاتی اقتصادی کشور، عبارتی تفسیرپذیر و اختلاف‌انگیز است و به نظر نمی‌رسد حتی در علم اقتصاد، بتوان دامنه شمول آن را تبیین نمود. این نوع قانون‌گذاری عملاً منجر به خودکامگی و خودرایی در اعمال قانون می‌شود.

در ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس «اضطرار ملی» از جمله مصادیق بهره‌برداری از اختراع بدون رضایت صاحب اختراع، عنوان شده است. در موافقت‌نامه، تعریفی از اضطرار ملی وجود ندارد و تعریف، بر عهده کشورها گذاشته شده است. دولت برای رفع حالت اضطرار ملی در بازار داخل می‌تواند با تمسک به اضطرار ملی، اجازه صاحب اختراع را اخذ نماید. کشور نمی‌تواند با تمسک به اضطرار مبادرت به بهره‌برداری از اختراع کند و سپس به صادرات آن بپردازد.

۲-۴. عدم امکان بهره‌برداری از اختراع مؤخر به دلیل عدم تولید اختراع مقدم (وابستگی اختراع مقدم و مؤخر)

حسب بند ح ماده ۱۷ در صورتی که در یک گواهی‌نامه اختراع، ادعا شده باشد که بدون استفاده از یک اختراع ثبت‌شده قبلی، اختراع مؤخر (اختراع جدید) قابل بهره‌برداری نیست و اختراع مؤخر نسبت به اختراع مقدم متضمن پیشرفت مهم فنی و دارای اهمیت اقتصادی قابل توجه باشد، اداره مالکیت صنعتی به درخواست مالک اختراع مؤخر، پروانه بهره‌برداری از اختراع مقدم را در حد ضرورت بدون موافقت مالک آن، صادر می‌کند. در این مقرر نیز ابهامات چندی به چشم می‌خورد؛ از جمله اینکه ضابطه «پیشرفت مهم فنی» چیست؟ چارچوب «اهمیت اقتصادی قابل توجه» کجاست؟ در اهمیت اقتصادی، آیا وضعیت مالی معیشتی صاحب اختراع منظور نظر است یا اینکه ملاک، وضعیت اقتصادی کشور است؟ آیا دو شرط پیشرفت فنی و اهمیت اقتصادی باید توأمان باشند؛ یا اینکه وجود یکی از دو شرط، برای صدور بهره‌برداری بدون اخذ موافقت کافی است؟

اگر تشخیص مجری قانون این باشد که بهره‌برداری از اختراع مؤخر، متضمن پیشرفت مهم فنی و اقتصادی قابل توجه است و این پیشرفت مهم فنی و اقتصادی در گرو تولید اختراع مقدم است، تولید اختراع مقدم را علی‌رغم عدم رضایت مالک اختراع، صادر می‌کند. بند مرقوم از شق اخیر ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس اقتباس شده است. حسب شق مذکور، اگر اختراع ثبت شده دوم متضمن پیشرفت فنی مهم و دارای اهمیت اقتصادی قابل توجهی نسبت به اختراع اول باشد و نتوان بدون تخطی از اختراع اول، نسبت به بهره‌برداری از اختراع دوم اقدام نمود، بهره‌برداری از اختراع اول بلامانع است. اینکه دلیل مقنن از

اقتباس عین واژه‌های موافقت‌نامه تریپس چه بوده است را باید در دلایل موافقان الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی جستجو کرد. یکی از شرایط الحاق کشورها به سازمان تجارت جهانی، همسویی مقررات داخلی کشورها با مقررات سازمان تجارت جهانی است؛ از این حیث مقنن و موافقان الحاق، به آرامی در صدد همسو کردن مقررات داخلی با مقررات سازمان مزبور هستند.

۲-۵. صدور پروانه بهره‌برداری از اختراع مؤخر در صورت صدور پروانه بهره‌برداری برای اختراع مقدم

بدین معنا که اگر وابستگی بین دو اختراع ایجاد شود و پروانه بهره‌برداری بدون اخذ موافقت از صاحب اختراع اول صادر شود، بنا به درخواست مالک اختراع مقدم، دولت می‌تواند پروانه بهره‌برداری از اختراع مؤخر را بدون اخذ موافقت وی صادر نماید. به نظر می‌رسد مصداق عملی چنین مقرره‌ای در واقعیت بسیار نادر باشد. ولی در هر حال مقنن پیش‌بینی نموده است. پیش‌بینی چنین مصداقی بدین علت بوده است که اگر صاحب اختراع دوم با استفاده از حاکمیت دولت و جهت پیشبرد اختراع خود، مبادرت به بهره‌برداری از اختراع اول نمود، ولی پس از استفاده از اختراع اول، از تولید امتناع و بازار را دچار مضیقه نمود، دولت این حق را برای صاحب اختراع مقدم شناخته است که بدون اخذ موافقت صاحب اختراع مؤخر، اختراع وی (صاحب اختراع مؤخر) بنا به درخواست صاحب اختراع اول، به بهره‌برداری برسد. اشکالی که در خصوص این مقرره می‌توان بیان داشت اینکه اگر صاحب اختراع اول به هر دلیل درخواست تولید اختراع دوم را ننمود و اختراع مورد نظر نیاز جامعه بود، آیا می‌توان حکم به اختیار دولت در بهره‌برداری از اختراع بدون کسب موافقت صاحب اختراع نمود. پایبندی به نصوص قانونی و اینکه بهره‌برداری از اختراع بدون اخذ رضایت، بر خلاف اصول و قواعد حقوقی است ایجاب می‌کند، به قدر متیقن از نصوص قانونی اکتفا کنیم؛ به‌ویژه اینکه نص صریح در خصوص فرآیند بهره‌برداری از چنین اختراعی موجود است. ولی چنین استدلالی بر خلاف مراد مقنن به نظر می‌رسد؛ زیرا اساس ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات، رها نمودن جامعه از تنگنای ضرر و ایجاد تعادل در بازار است. حال چگونه ممکن است بندهای ذیل ماده در تعارض با فلسفه صدر ماده قرار گیرد.

از این حیث و علی‌رغم اینکه مقنن در فرض عدم درخواست مخترع اول جهت تولید اختراع دوم، سکوت اختیار کرده است ولی باید به عموم صدر ماده تمسک جست. نکته آخر در این مبحث اینکه حسب بند ب ماده ۱۷ قانون، بهره‌برداری از اختراع بدون اخذ موافقت، مشروط به پرداخت مبلغ مناسب به مالک، با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی کالای مورد نظر است. مقنن تعریفی از «مبلغ مناسب» و یا معیارهای ارزش اقتصادی کالای مورد نظر ارائه ننموده است.

در ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس هم بیان شده است در تمام مواردی که اجازه‌ای از صاحب اختراع، جهت بهره‌برداری از اختراع اخذ نشده، باید با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی اجازه، پرداخت کافی برحسب اوضاع و احوال و به‌صورت موردی انجام شود.

۳. امکان تطبیق احتکار با استثنایات حقوق مخترع

در فقه سابقه‌ای از این پرسش، که آیا می‌توان بدون رضایت صاحب اختراع، اختراع وی را تولید نمود، مشهود نیست. شاید فقها از این حیث ورودی به این مطلب نداشته‌اند که حکم کلی را در باب مالکیت می‌دانند. زیرا صاحب اختراع، مالک اختراع است و مالک از حیث سلطه و تسلطی که بر مال خود دارد می‌تواند آن را به تولید برساند یا اینکه تولید نکند. نگارنده تلاش می‌کند اثبات نماید نهاد مشخص احتکار و احکام آن، منطبق بر مخترعینی است که از تولید اختراع خودداری می‌کنند. وجه مشترک دو نهاد، یکی مالکیت محترک و مخترع بر مال احتکارشده و اختراع تولیدنشده و دیگری عدم عرضه کالا توسط محترک و عدم عرضه اختراع توسط مخترع است. در صورت پذیرش شباهت‌های جوهری دو نهاد، می‌توان به بحث ورود نمود. این استدلال که مخترع خالق اثر است، ولی محترک خالق اثر نیست، بلکه کالاهایی را که از قبل در بازار موجود بوده، بر روی هم انباشته و از این حیث اختلال در بازار ایجاد نموده است، قابل پذیرش نیست. زیرا درست است که مخترع خالق اثر است، اما در شیوه استدلال ما خالقیت وی جایگاهی ندارد و ما اساساً به خالقیت ورودی ننموده‌ایم یا تعرضی به خالقیت وی نداریم. صرفاً مالکیت وی بر اختراع و عدم عرضه اختراع است که به آن ورود شده است.

در احتکار آنچه مجوز ورود حاکم به مالکیت خصوصی محتکر شده است نیاز جامعه به کالای احتکارشده یا اخلاص ایجادشده توسط محتکر در بازار مسلمین است. در اختراع تولید نشده هم، ما دقیقاً با همین دو موضوع مواجهیم. اگر اختراعی نیاز جامعه نباشد یا اخلاصی ایجاد نکرده باشد، حاکم متعرض اختراع نیست.

بیان شد اگر بین دو اختراع وابستگی ایجاد شود و بهره‌برداری از اختراع مؤخر، متضمن پیشرفت مهم فنی و اقتصادی باشد و بدون صدور اجازه بهره‌برداری از اختراع مقدم، تولید اختراع مؤخر امکان‌پذیر نباشد، دولت اجازه بهره‌برداری از اختراع مقدم را بدون اخذ رضایت صادر می‌کند. آیا با مبانی فقهی که بیان شد دولت مجوز شرعی برای مداخله در مالکیت خصوصی مخترع را دارد. اینجا نه بازاری مختل شده، نه منفعت عمومی نیاز مبرم به اختراع دارد و نه اقدامات مخترع، محل رقابت است. آیا دولت می‌تواند زیر چتر پیشرفت فنی و اقتصادی مهم، در مالکیت خصوصی مداخله نماید. اگر تصور نماییم آنجا که فقها بحث منفعت عموم را مطرح می‌کنند، اصل منفعت عموم ملاک و مناط اعتبار است، نه زمان این منفعت؛ به عبارت دیگر ممکن است منفعت عموم در زمان مداخله حاکم ایجاب کند که کالای احتکار شده به فروش برسد و زمانی منفعت عموم یا نیاز عموم بعدها ایجاد می‌شود؛ مثلاً ما در ایجاد راه‌ها هم حکم داریم که اگر منفعت عموم ایجاب کند که راه از ملک فردی عبور کند، حاکم با پرداخت قیمت عادلانه، نسبت به ایجاد راه‌ها اقدام می‌کند. ایجاد راه یک نیاز مبرم فعلی برای عموم جامعه نیست بلکه صرفاً یک توسعه آتی برای عموم و یک منفعت برای آتیه است. اینجا هم می‌توان استدلال نمود که منافع پیشرفت فنی و اقتصادی مهم عاید جامعه می‌شود و نیاز عموم را برطرف می‌کند، منتها در ظرف زمانی آینده.

اکنون باید به دو پرسش اساسی پاسخ گفت. اول: آیا احکام مترتب بر احتکار قابل تسری به مخترعی می‌باشد که با عدم اختراع خود، موجبات مضیقه و تنگنا برای بازار ایجاد می‌کند. به عبارت روشن‌تر آیا حاکم می‌تواند صاحب اختراع را مجبور به تولید اختراع نماید یا فردی را مأمور به تولید و بهره‌برداری از اختراع نماید. دوم: در صورت مثبت بودن پاسخ، به لحاظ موازین شرعی چه حقوقی برای صاحب اختراع وجود دارد.

۳-۱. بهره‌برداری از حق اختراع بدون رضایت مخترع

فقهای قائل بر تحریم، این اجازه را برای حاکم قائل هستند که نسبت به اجبار محترک به عرضه کالا و فروش اقدام نماید، هرچند مالک (محتکر) ناراضی باشد. اگر پذیرفته باشیم احکام محترک، بر مخترع نیز صادق است، باید گفت مخترع ملزم به عرضه اختراع خود می‌شود. منتهای مراتب با توجه به اینکه اختراع ثبت شده، جهت ورود به بازار مصرف و تأمین نیاز جامعه مستلزم راه‌اندازی خط تولید اختراع، زمان معقول جهت تولید و ... است، مقنن در بنده ماده ۱۷ قانون اعلام می‌دارد: دولت یا شخص مجاز از طرف دولت باید از مالک درخواست بهره‌برداری از اختراع نماید، در صورتی که مالک اختراع با شرایط معقول و ظرف مدت زمان متعارف به بهره‌برداری اقدام نکند، دولت یا شخص مجاز از طرف دولت، مجاز به بهره‌برداری از اختراع می‌شود. البته نگارش ماده آن قدر بد تنظیم شده که در ظاهر، استنباط فوق به دست نمی‌آید ولی غور در مسئله، اثبات می‌نماید که مراد مقنن همان است که گفته شد.

۳-۲. حقوق صاحب اختراع در فرض «بهره‌برداری بدون رضایت»

در فرضی که اختراعی بدون اخذ رضایت از صاحب اختراع به تولید می‌رسد، آیا حقوقی برای صاحب اختراع قابل تصور است؟ اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد آنکه اختراع با چه قیمتی در بازار به فروش می‌رسد؟ اعمال قیمت یا عدم اعمال قیمت هم از مباحث اختلافی فقهیست. فقها از اصطلاح تسعیر استفاده نموده‌اند. تسعیر به لحاظ لغوی از واژه سعر به معنای قیمت و نرخ جدا شده، گرفته شده است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ذیل واژه سعر). تسعیر در اصطلاح فقهی به معنای تعیین قیمت برای کالا و الزام فروشنده به رعایت آن است و تعیین قیمت بر عهده حاکم قرار گرفته است (قلعه‌جی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۳۰۱). شیخ طوسی در مبسوط ادعای اجماع و عدم نظر خلاف در عدم قیمت‌گذاری کالای احتکار شده دارد: «... و اگر کالا فقط نزد شخص محترک باشد، بر بیع مجبور می‌شود اما بر او قیمت‌گذاری نمی‌شود» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۹۵). ابن‌ادریس هم در سرایر ادعای اجماع بر عدم قیمت‌گذاری کرده است: «اجبار محترک بر فروش به یک قیمت معین جایز نیست و تعیین نرخ بر او جایز نیست، چراکه اجماع بر آن است و روایات در این باره

تواتر دارند» (ابن ادریس حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۲). آنچه مستند این دسته از فقها برای عدم جواز قیمت‌گذاری قرار گرفته، قاعده تسلیط (الناس مسلطون علی اموالهم) و عموماتی نظیر «لا یحل مال امرء مسلم الا بطیب نفسه»، «لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجارة عن تراض» و ... است. اگر قیمت‌گذاری در اختیار صاحب کالا قرار گیرد، وی ممکن است قیمتی بر اختراع تولید شده، تعیین کند که موجب ضرر و زیان شود و این نقض غرض است. زیرا شارع از این حیث اجبار محتکر بر فروش و یا تولید کالا بدون رضایت را تجویز نمود که دفع ضرر شود. درحالی‌که ضرر همچنان باقی است؛ بنابراین با استناد به قاعده لاضرر می‌توان بیان داشت قاعده سلطنت از قواعد و احکام اولیه است و در اینجا، قاعده لاضرر بر قاعده سلطنت حاکم است. قیمت‌گذاری حکمی حکومتی است و دایر مدار مصالح و مفاسد جامعه است. مصالح و مفاسد در احکام اولیه بر مدار شخص مکلف است و در احکام حکومتی بر مدار مصالح و مفاسد اجتماع است. بنابراین استناد به قاعده تسلیط جهت عدم تجویز قیمت‌گذاری جایز نیست. از جمله فقهای که با قاعده لاضرر جواز قیمت‌گذاری را بیان نموده، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۹۹) و محقق اردبیلی (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۲۴) را می‌توان نام برد. برخی سعی دارند با استفاده از تنقیح مناط در ادله اضطرار، همان علتی که جواز استفاده از مأكولات محرم را صادر می‌کند به قیمت‌گذاری کالای مورد احتکار تسری دهند. استدلال شده که اگر مضطر از مأكولات محرمه استفاده نکند، موجب ضرر است، اگر بر کالای مورد احتکار تعیین قیمت نشود، اینجا هم ضرر است، پس علت در هر دو حکم یکی است و می‌توان جواز تعیین قیمت بر کالا را نتیجه گرفت. همچنین بیان شده است اگر فرد مضطر به دلیل دفع ضرر از خود مجاز به استفاده از مأكول محرم است به طریق اولی مجاز به استفاده از کالای احتکار شده است، زیرا در اینجا کالای احتکار شده حرام نیست و قیمت کالا یا متعارف بازار، به صاحب کالا پرداخت می‌شود.

با این وصف بیان می‌داریم در فرضی که مخترع در تعیین قیمت اجحاف نمود ملزم به ارائه قیمت متعارف بازار می‌شود و اگر تعیین قیمت نمود، دولت نسبت به تعیین قیمت اقدام می‌کند. مقنن به‌خوبی در بند ب ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات، بهره‌برداری از اختراع

را مشروط به پرداخت مبلغ مناسب به مالک، با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی اختراع نموده است.

جمع‌بندی

اگرچه احادیث و روایات زیادی به ذکر مصادیق احتکار پرداخته‌اند، اما احادیثی که کلی بوده و دلالتی بر مصداق ندارند، نیز وجود دارد. با تمسک بر این روایات و همچنین اگر ملاک در منع احتکار، منع ضرر یا دفع ضرر قرار گیرد، می‌توان دامنه احتکار را فراتر از غلات چهارگانه منصوص در روایات دانست و به کلیه کالاها و حتی خدمات نیز تسری داد. برخی فقها نیز اکتفا بر مصادیق در روایات نکرده و دامنه شمول احتکار را فراتر دانسته‌اند. آنچه در احتکار موجبات ضرر را فراهم می‌کند، عدم عرضه کالا است. در عدم تولید یک اختراع هم عدم عرضه است که موجبات ضرر را فراهم می‌نماید؛ بنابراین از این حیث تفاوتی بین یک اختراع تولید نشده و کالایی که به دلیل احتکار عرضه نشده است، وجود ندارد. بدین ترتیب می‌توان احکام احتکار را بر مخترعی که با عدم تولید و به تبع آن عدم عرضه، موجبات ضرر را فراهم نموده است، مترتب نمود. فقها در باب قیمت‌گذاری کالای احتکار شده اختلاف دارند. برخی مطلقاً قیمت‌گذاری را جایز نمی‌دانند و برخی قیمت‌گذاری را در صورتی که محتکر با قیمت غیرمتعارف موجبات ضرر را فراهم نماید، جایز می‌دانند. قانون ثبت اختراعات ایران، بهره‌برداری از اختراع بدون رضایت مخترع را در مواردی که منافع عمومی مانند امنیت ملی، تغذیه، بهداشت یا توسعه سایر بخش‌های اقتصادی کشور اقتضا نماید یا اینکه بهره‌برداری مالک از اختراع مغایر با رقابت آزاد باشد، تجویز نموده است. در خصوص حقوق مالک، مقرر نموده است، بهره‌برداری از اختراع مشروط به پرداخت مبلغ مناسب به مالک با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی کالای مورد بهره‌برداری می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن‌ادریس حلی، ابی جعفر محمد بن منصور (۱۴۰۷ق)، السرایر، قم: جامعه مدرسین قم، چ ۲.

- ابن منظور (۱۹۹۷م)، لسان العرب، ج ۲، بیروت: انتشارات دار صادر.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵ق)، کتاب البیع، ج ۳، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ج ۵.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، مکاسب، ج ۴، قم: به تحقیق لجنة التحقیق باقری.
- جوهری، ابونصر اسماعیل حماد (۱۳۷۶ق) صحاح اللغة، به کوشش احمد عبد الغفور عطار، قاهره.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعه، ج ۱۲، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- همو (۱۴۲۶ق)، وسائل الشیعه، ج ۱۷، قم: مؤسسه آل البیت، ج ۱.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۵ق)، التنتیج فی شرح المکاسب، ج ۲، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ج ۱.
- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس (بی تا)، ج ۳، بیروت: انتشارات مکتبه الحیاه.
- سید رضی (۱۳۷۸)، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی، ج ۱.
- شهید اول (۱۴۱۲)، الدروس الشرعیه، ج ۳، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیة، ج ۳، قم: انتشارات داوری، ج ۱.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم: به تحقیق لجنة التحقیق التابعه للمؤسسه الامام الهادی.
- صادقی، محمود و خاکپور، منصور (۱۳۸۶)، «موجبات اعطای مجوز اجباری بهره برداری از حق مالکیت فکری»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۴.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (۱۳۸۷ق)، المسبوط فی فقه الاسلامیه، مکتبه المرتضویه، جلد دوم.
- همو (۱۳۹۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- علامه حلی (۱۴۱۲ق)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۵، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، القاموس المحیط، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲.
- قربان نیا، ناصر (۱۳۸۵)، «تحدید حقوق و آزادیها»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۸۵.
- قلعه جی، محمد رواس (۱۴۲۱ق)، الموسوعه الفقهیة المیسره، کویت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۸ق)، الکافی، ج ۵، بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائده و البرهان، ج ۷ و ۸، قم: جامعه مدرسین.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، به تحقیق سید صادق شیرازی، قم: انتشارات استقلال.

میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۷)، حقوق اختراعات، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۷.

"Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights" (TRIPS Agreement) (1994).

"Antitrust Sherman Act" (1890).

"Bern Convention for the Protection of Literary and Artistic Works" (1886).

Code de la Propriete Intellectuelle (France 2015).

"Commercial Code of France" (2006).

"England Patent Act" (1977).

مجازات مربوط به انحصارگری در قانون فوق در سال ۲۰۰۲ به شرح متن تغییر یافته است.

"Germany Patent Act" (2009).

"International Convention for the Protection of Performers, Producers of Phonograms and Broadcasting Organization" (Rome Convention (1961).

"Paris Convention for the Protection of Industrial Property" (1883).

"Patent Law of the People's Republic of China" (2008).

"Penal Code of France" (2005).

"Phonograms Convention" (1971).

"Treaty Establishing the European Economic Community" (1957).

"Union for the International Protection of New Plant Varieties" (1961).

"United States Code Title 35 ° Patents".

"Universal Copyright Convention" (1952).

"WIPO Copyright Treaty" (1996).